

# تحلیل و تبیین شک روش شناختی دکارت

جمشید صدقی<sup>۱</sup>، غلامرضا رحمانی<sup>۲</sup>

چکیده:

شک از جمله حالات نفسانی انسان است، هنگامی بروز مییابد که انسان در درستی و نادرستی احکام ذهنی احتمال همسان دهد. شک دستوری یا روش شناختی دکارت متمایز از شکاکیت سوفسطی و شکاکیت از نوع عملگرایی است. در مقاله مزبور تفاوت شک روشی و غیر روشی (لادریگری، پورن، غزالی، مونتینی، هوسرل) مورد بررسی قرار گرفته و در ادامه تبیین، تعبیر شکاکیت دکارت و دلایل دکارت (خطای حواس و فرضیه رؤیا) برای جواز شک روش شناختی مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است.

کلید واژه‌ها: شک روش شناختی، آزمون حقیقت، لادریگری، معرفت یقینی

\* \* \*

مقدمه

دکارت وقتی شهر علم و فلسفه مدرسی و اسکولاستیکی را آشوب زده دید، برای تجدید حیات علم و فلسفه و احیای تفکر اصیل و یا تأسیس علم و فلسفه جدید قیام کرد. «نخستین گام در روش دکارت برای رسیدن به یقین، این بود که باید دید آیا

۱. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تاکستان؛ Sadri-Jamshid@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری فلسفه غرب



میتوان در همه چیز شک کرد یا خیر؟ شک کردن به حافظه، به تشخیص حواس، به وجود دنیای پیرامون و به وجود جسم خود شخص.<sup>(۱)</sup>

پاسخ دکارت به سؤال مزبور آن است که در همه چیز - اعم از معقولات و محسوسات، عینی و ذهنی - میتوان شک کرد. وی برای اثبات جواز یا توانایی آدمی برای تشکیک در همه چیز براهینی را اقامه میکند. قصد دکارت از تشکیک و تردید در امور و اشیاء دستیابی به معرفت یقینی، شفاف و تردیدناپذیر است، از اینرو وی «شک خود را از همان ابتدا از شک شکاکان جدا میکند».<sup>(۲)</sup> او برای رسیدن به هدف خویش نخست به بررسی علل تشکیک و عوامل تردید در اشیاء و امور میپردازد تا ببیند آیا در میان این همه اشیاء و امور چیزی باقی میماند که دیگر نتوان در آن شک و تردید نمود و یا اینکه چنین چیزی هرگز یافت نمیشود؟

دکارت در بررسی علل شک، هر چیزی را که کمترین شک و تردیدی در وجود آن قابل تصور باشد، باطل قلمداد میکند تا به اصل نخستین و علم یقینی و معرفت قطعی برسد و یا اگر نتوانست امر یقینی را کشف نماید، دست کم باور کند که هیچ امر یقینی یا معرفت قطعی وجود ندارد.

شک و همینطور یقین و ظن و احتمال از جمله حالات نفسانی انسان است، از اینرو هر کس میتواند به چیزی و یا چیزهایی یا کل اشیاء شک کند؛<sup>(۳)</sup> «شک کردن از خصوصیات انسان است».<sup>(۴)</sup>

هرگاه آدمی صحیح و غلط بودن حکمی را یکسان ببیند، شک و تردید وجود او را فرا میگیرد که کدام طرف صحیح است و کدام طرف غلط. زیرا هیچ طرفی بر طرف دیگر رجحانی ندارد تا آدمی یقین کند که فلان طرف درست است و فلان طرف غلط و همینطور هرگاه تطابق و عدم تطابق مفهوم و معنا یکسان باشد آدمی در انتخاب یکی از دو طرف مردد میشود و شک و تردید وجودش را متزلزل میسازد و آرامش روحی و آسایش باطنی را از او میرباید و حیرت و سرگردانی و در نتیجه ۹۶ حزن و اندوه بر صاحب شک طاری میشود. بنابراین شک که از حالات نفسانی و صفات باطنی انسان است؛

هنگامی پدید می‌آید که انسان در درستی و نادرستی احکام ذهنی و در مطابقت کردن و نکردن مفهوم و معنی، احتمال همسان داشته باشد. در این

حال انسان دچار تردید میشود که چه احتمالی درست و چه احتمالی نادرست است. برای اینکه یکی از دو طرف برگزیده شود، ناگزیر توجیه عقلانی برای برتری لازم است تا بدرستی یا نادرستی باوری یقین حاصل شود.<sup>(۵)</sup>

و از حالت شک و تردید بیرون آید و از آشفتگی درونی نجات یابد و به آرامش و اطمینان قلبی نایل گردد.

### تقسیم شکاکیت

شکاکیت ممکن است سه گونه قابل تصور باشد؛ یکی از نوع سوفسطایی، دوم از نوع عملگرایی و سوم دستوری. نوع اول، به بی‌اعتباری علم، تعلیم و تعلم و نسبت همه چیز و سرانجام به انکار هستی منجر میشود. نوع دوم - برخلاف نوع اول، به نسبت حقیقت و واقعیت یا انکار هستی نمی‌انجامد، زیرا صاحب آن سرانجام با فیضان نور الهی از شک خود نجات مییابد و به یقین دست پیدا میکند. اما نوع سوم که توسط دکارت ابداع شد با دو نوع اول کاملاً تفاوت دارد، زیرا فرد شکاک در همان آغاز تشکیک در همه چیز قصد خود یعنی تحصیل علوم یقینی را تعیین میکند، از اینرو به خود و فقط به خود دستور میدهد که از چه روشی یا از چه طریقی برود تا سریعتر به علم حقیقی و معرفت یقینی و دانش قطعی دست یابد و بهمین دلیل شک دستوری یا روش‌شناختی نامیده میشود تا از سایر شکوک متمایز گردد. پس

در سازمان فلسفه، سه نوع شکاکیت متفاوت پدید آمده است: (۱) شکاکیت از نوع سوفسطایی. (۲) شکاکیت از نوع عملگرایی که غزالی مبدع آن بوده و دیوید هیوم بر آن تأکید کرده است. (۳) شکاکیت دستوری که دکارت آن را بنیان نهاد و کانت و نوکانتیها با اصالت نقادی‌گری بر تکامل آن افزودند.<sup>(۶)</sup>

### تفاوت شک روشی و غیر روشی

۱. در شک روشی، دستور اخلاقی موقت ابداع میشود تا در سایه آن بتوان زندگی عادی و روزمره را با خوشی سپری کرد، اما در شک غیر روشی هیچگونه دستور اخلاقی موقتی ابداع نمیشود، زیرا قصد شکاک صرفاً تشکیک در امور نظری نیست بلکه شک در همه چیز اعم از نظری و عملی است.
۲. در شک روشی، تحصیل معرفت یقینی و کسب دانش حقیقی ممکن است،

اما در شک غیر روشی تحصیل معرفت یقینی مستحیل می‌باشد، زیرا عقل و خردی که همیشه در معرض خطا و اشتباه است از طریق آن به تحصیل علم و معرفت نمیتوان پرداخت.

۳. شکاک شک روشی به تحصیل معرفت و رسیدن به یقین امیدوار است، اما شکاک شک غیرروشی از رسیدن به معرفت یقینی و دانش حقیقی ناامید و مأیوس است.

۴. هدف دکارت از تشکیک و تردید در اشیاء و امور و بی‌اعتمادی به عقاید و آراء گذشته خود این است که به معرفت یقینی و علم قطعی و دانش حقیقی دست یابد، از اینرو «دکارت، شک برای یقین که برای عموم هم گیرا بود را ترویج میکرد»<sup>(۷)</sup> البته صرفاً و منحصرأً برای خود نه برای دیگران، زیرا قصدش این نبود که دیگران از روش او پیروی نمایند.

۵. در شک روشی قصد شکاک آن است که پس از حصول یقین و کسب دانش حقیقی از شک خود خارج شود، اما در شک غیرروشی قصد شکاک خروج از شک خود نیست بلکه بر عکس می‌خواهد در شک خود باقی بماند.

۶. در شک روشی، دکارت بقصد خروج از شک و تحصیل یقین شک میکند، اما هدف شکاکان تحصیل حقیقت نیست بلکه هدف آنها صرفاً آن است که در اشیاء و امور شک کنند.

۷. هدف شکاک، شک روشی آن است که از خاک سست مظنونات و رمل متزلزل احتمالات رهایی یابد و بر زمین سخت و محکم یقینیات قدم گذارد<sup>(۸)</sup>، اما هدف شکاک شک غیرروشی رهایی از شکوک، مظنونات و احتمالات نیست بلکه هدف فرورفتن در آنهاست.

۸. قصد شکاک شک روشی از تشکیک و تردید در اشیاء و همینطور در عقاید و آراء گذشته خود آزمون و سنجش آنهاست تا سره را از ناسره تمییز دهد و علوم و افکار خویش را بر اساس محکمی استوار سازد، اما قصد سایر شکاکان آزمودن آراء و عقاید گذشته خود و کسب یقین نیست.

۹. شکاک شک روشی نخست در همه چیز شک میکند، اما در بررسی عقاید و آراء و افکار خویش میفهمد در هستی خود نمیتوان شک کرد.

۱۰. شکاک شک روشی دارای نفسی سالم و روحیه آرام است و هیچگونه مرض روحی و نفسانی ندارد، اما شکاک شک غیرروشی دارای روحیه‌ی مریض و بیمار و

درونی آشفته و باطنی مضطرب و محزون است.

۱۱. شک روشی از ذات و درون شکاک ناشی نمیشود، اما شک غیرروشی از ذات و درون شکاک سرچشمه میگیرد.

۱۲. شکاک شک روشی عاقبت نجات مییابد یا میداند که نجات مییابد، اما نجات شکاک شک غیرروشی بسیار مشکل بلکه قریب به محال است.

۱۳. شک روشی دکارت حقیقی نیست بلکه فرضی است، اما شک غیرروشی فرضی نیست بلکه حقیقی است، از اینرو صاحب آن حقیقتاً در همه چیز شک میکند.

۱۴. شک روشی آدمی را لحظه به لحظه بسوی یقین و ساحل نجات و آرامش کامل و رهایی از عقاید و آراء باطل گذشته رهنمون میشود، اما شک غیرروشی لحظه به لحظه آدمی را بسوی گمراهی، عقاید باطل، تشکیک، انکار هستی، تزلزل، غم و اندوه فرو میبرد.

۱۵. شک روشی عمدی است؛ یعنی شکاک شک روشی عالماً و عامداً در همه چیز شک میکند تا از طریق آن بتواند به یقین و علوم حقیقی دست یابد، اما شک غیرروشی علمی و عمدی نیست بلکه آدمی ناخواسته در آن سقوط میکند.

### تفاوت شک روشی با لادریگری

۱. «لادریه گویند که نه علم به وجود و ثبوت حقایق جهان میتوان پیدا کرد و نه علم به عدم وجود آنها»<sup>(۹)</sup>، اما دکارت بر آن است که دستیابی به علم برای آدمی ممکن است.

۲. لادریه میگویند «ما نمیدانیم»<sup>(۱۰)</sup> اما دکارت نخست در همه چیز شک میکند و همه را باطل تلقی مینماید ولی امیدوار است که به علم یقینی و معرفت قطعی دست یابد.

۳. لادریه «همواره در شکند و نیز شک دارند که شک دارند؛ یعنی حتی قائل به علم به شک خود نمیباشند و باز شک دارند که شک دارند که شک دارند و ... دکارت ... شک ندارد که شک دارد»<sup>(۱۱)</sup> لادریه حتی به شک خود نیز علمی ندارند؛ یعنی نمیدانند که در حال شک هستند بلکه شک دارند که شک دارند و شک دارند که شک دارند که شک دارند و «هلم جراً فیتسلسل»<sup>(۱۲)</sup>، اما دکارت شک ندارد که شک دارد.

۴. دکارت نسبت به همه چیز شک میکند «و از همان شک است که علم پیدا

میکند؛ یعنی شک را محور علم قرار میدهد» برخلاف لادریه که نسبت به همه چیز شک دارند اما از شک آنها علمی حاصل نمیشود، زیرا شک را محور علم قرار نمیدهند. ۵. شک دکارت دستوری و روشی و غیرحقیقی است اما شک لادریه حقیقی و غیرروشی است.

### تفاوت شک دکارت و پورن

۱. هدف پورن از تشکیک در اشیاء و امور، کسب سعادت<sup>۱</sup> و تحصیل خوشبختی در زندگی است، اما هدف دکارت از تشکیک در اشیاء و امور کشف نخستین اصل یقینی و تأسیس علم و فلسفه جدید است.
۲. هدف پورن از شک غایتی عملی است و اما هدف دکارت از شک غایتی علمی و نظری است. شک پورن بدلیل آنکه غایتی عملی، یعنی آسایش، سکون و آرامش روحی و روانی را دنبال میکند شک عملی نامیده میشود.
۳. پورن نمیخواهد از شکاکیت خود خارج شود، اما دکارت پس از رسیدن به یقین از شکاکیت خود خارج میشود.

### تفاوت شک دکارت و غزالی

۱. شک غزالی حقیقی است، اما شک دکارت غیرحقیقی میباشد، زیرا غزالی واقعاً نسبت به حواس و عقل خود بی‌اعتماد شد و حقیقتاً در همه چیز اعم از معقولات و محسوسات تشکیک کرد، اما دکارت شک را وسیله‌ی برای کسب یقین و تحصیل حقیقت تلقی نمود. پس غزالی - برخلاف دکارت - واقعاً و حقیقتاً در همه چیز شک و تردید میکند.<sup>(۱۳)</sup>
۲. شک دکارت نسبت به همه چیز عالمانه و عامدانه است، اما شک غزالی نسبت به علوم، حواس و قوای عقلی عامدانه و عالمانه نیست، بلکه سهوی و ناآگاهانه است.<sup>(۱۴)</sup>
۳. مبدأ و منشأ شک دکارت آن است که وی نسبت به آراء و عقاید گذشته خود و همینطور نسبت به اندوخته‌های علمی خویش که در کالج لافلش و دانشگاه پواتیه تحصیل نموده یقین و قطع ندارد، اما منشأ و مبدأ شک غزالی آن است که از طرفی علوم و

1. Happiness

دانش‌های او تقلیدی است و از طرفی دیگر حواس و قوای عقلانی او بی‌اعتبار می‌باشند.

۴. غزالی بدلیل آنکه ناخواسته در شکاکیت سقوط میکند و در شک خود هیچگونه مقصد و هدفی ندارد، صرفاً می‌خواهد از شکی که در آن سقوط کرده است به یقین گذشته خود بازگردد، اما دکارت قصد ندارد پس از تشکیک در همه چیز و اجرای شک روشی به یقین گذشته خود بازگردد.

۵. از دیدگاه غزالی حالت شک آفتی است که سبب نابودی یقین و علوم آدمی می‌گردد و بهمین دلیل باید خود را از حالت شک نجات داد، اما از دیدگاه دکارت تشکیک در اشیاء و امور نه تنها آفت نیست بلکه وسیله و ابزاری بسیار مفید و کارآمد برای کسب یقین جدید و تحصیل معرفت نو می‌باشد.<sup>(۱۵)</sup>

۶. غزالی چون حالت شکاکیت را آفتی برای خویش تلقی میکرد، تمام تلاش و کوشش او آن بود که از آن نجات یابد و خود را از آن خارج سازد، اما چون شک او حقیقی بود نه روشی، در حالت عادی نتوانست خویشتن خویش را از آن نجات دهد. «غزالی نجات خویش را از شک بواسطه نور الهی میدانست که به قلب وی الهام شده بود»<sup>(۱۶)</sup>، اما دکارت چون عالمانه و عامدانه در همه چیز شک کرد، هرگز برای رهایی از شک به اموری مانند نور الهی متوسل نشد، زیرا شک او حقیقی و بعنوان بیماری روحی و روانی نبود بلکه وی عمداً برای کسب علم یقینی و تحصیل معرفت قطعی در همه چیز شک نمود و بهمین دلیل وی پس از تحصیل نخستین اصل یقینی، شک روشی و فرضی خود را کنار می‌گذارد.<sup>(۱۷)</sup>

۷. شک غزالی بدلیل آنکه وی علوم و معارف را صرفاً از طریق نتیجه ارزیابی میکند نه از طریق مقدمات، «شک در نتیجه» نامیده میشود، اما شک دکارت بدلیل آنکه ابزار، وسیله، روش، طریق، راه، کانال و معبری برای رسیدن به معرفت یقینی و دانش قطعی است شک روش‌شناختی، دستوری، ابزاری، مصلحتی، فرضی، غیرحقیقی و غیره نامیده میشود.

### تفاوت شک دکارت و مونتنی

۱. مونتنی در خلال ویران ساختن خرافات و در ابطال افکار و عقاید غیرعقلانی، در شک ناخواسته‌یی سقوط میکند<sup>(۱۸)</sup> و به همه چیز بی‌اعتماد میشود، اما دکارت نه قصد ابطال افکار غیر مستدل را داشت و نه هنگام بررسی عقاید و آراء دیگران به



شکی ناخواسته سقوط میکند، بلکه قصد وی آزمودن آراء، افکار و عقاید خویش و کشف نخستین اصل یقینی است و در اجرای طرح خود و بنای علم و فلسفه جدید، شک روش‌شناختی را پیشنهاد کرد.

۲. مونتنی پس از سقوط در درکات شک و ورود در ظلمات تردید و بی‌اعتمادی نسبت به اهداف حکمت مدرسی، حکمت حقیقی را ورزش ذهن برای تحصیل عادت تعلیق و تعویق حکم قلمداد میکند و براساس تعریف مزبور حکیم کسی است که بجای صدور حکم و داوری بین اشیاء و امور هیچ حکمی صادر نکند، از اینرو بارزترین نشانه حکمت در نزد وی شکاکیت است<sup>(۱۹)</sup>، اما دکارت حکمت را معرفت حقیقی و دانش یقینی و قطعی تلقی میکند و عالیترین ثمره آن را اخلاق قلمداد مینماید نه تعلیق حکم و تشکیک در اشیاء و امور.

۳. نتیجه شک دکارت یعنی علم و حکمت جدید تحصّلی و ایجابی است؛ زیرا دکارت میخواهد از طریق شک روشی خود به حکمت و دانایی نایل شود اما مونتنی قصد دارد به نادانی واصل شود.

۴. مونتنی فردی مؤمن و معتقد به دکترینهای مسیحی است و بهمین دلیل برای تحکیم اعتقادات خود و توجیه باورها و حقایق دینی تشکیک در همه چیز را پیشه خویش ساخت<sup>(۲۰)</sup>، اما دکارت برای توجیه باورهای ایمانی خود در اشیاء و امور تشکیک نکرد بلکه وی اعتقاد به باورهای دینی و حفظ و حمایت از آنها را در زمان شک لازم بلکه واجب تلقی نمود.

### تفاوت شک روشی و تأویل

۱. دکارت در شک روشی خود در هر چیزی که کمترین شک و تردیدی ببیند، آن را بعنوان امر محتمل و مشکوک باطل تلقی مینماید، اما هوسرل در هر چیزی که کمترین شک و تردیدی مشاهده کند آن را بعنوان امر محتمل و مشکوک معلق میگذارد.

۲. شک دکارت دستوری، مصلحتی و فرضی است، اما تأویل و تعلیق حکم هوسرل مصلحتی و فرضی نیست.

۳. دکارت هر آنچه را که اندک شکی در آن ببیند باطل تلقی میکند تا نخستین اصل قطعی و یقینی کشف گردد، اما هوسرل امور مشکوک را باطل قلمداد نمیکند





بلکه آنها را معلّق و داخل پیرانتز میگذارد تا حقیقتِ «من» نمایان گردد.  
۴. روش تأویل هوسرل تمام جهان و همه علوم طبیعی و انسان و حتی مابعدالطبیعه، ریاضیات و منطق را معلّق تلقی میکند تا حقیقتِ «من» نمایان شود؛ یعنی تنها چیزی که داخل هلالین قرار نمیگیرد وجود «من» است، اما روش تشکیک دکارت تمام اشیاء و امور و همه افکار و عقاید را باطل فرض میکند تا یقینیتزین، قطعیتزین و بدیهیتزین اصل یعنی هستی «من» کشف گردد.

### تشکیک در عقاید گذشته

دکارت بعد از تحصیل یا ترک تحصیل از کالج لافلش و همینطور بعد اخذ مدرک کارشناسی حقوق از دانشگاه پواتیه و پس از دیدن خوابهای سه‌گانه در شب سرد و در گرمخانه شهر اولم تصمیم گرفت رسالت خویش را آغاز و آن را بانجام رساند، از اینرو نخست به بررسی عقاید گذشته و تمام اندوخته‌های علمی خویش پرداخت تا معارف یقینی را از محتمل و مشکوک جدا کند و از ذهن خود دور نماید. زیرا بزرگترین هدف دکارت دستیابی به اصول متیقن و معارف یقینی و دانشهای قطعی بود.

رسیدن به معارف یقینی و علوم قطعی یک راه بیشتر نداشت و آن راه و طریق شک بود؛ یعنی وی نقطه شروع دستیابی به یقین را - همانطوری که گذشت - شک در همه چیز قلمداد نمود.<sup>(۲۱)</sup> از اینرو اگر از دکارت پرسیده شود که چگونه میتوانی به نخستین اصل متقن و قطعی فلسفی و عقلی دست پیدا کنی پاسخ میدهد که تنها راه و روشی که او را به اصل اصیل و بنیان قطعی فلسفی خواهد رسانید، طریق شک است البته از نوع دستوری نه حقیقی.<sup>(۲۲)</sup> پس «روشی که دکارت در پیش گرفته، شک‌گرایی است؛ یعنی بکار بردن شک بنحوی که منجر به شناخت راستین شود».<sup>(۲۳)</sup>

بنابراین «دکارت چون تشنه حقیقت است شک میکند و معلومات خود را تخطئه میکند»<sup>(۲۴)</sup> و تمام افکار و عقایدی که در ذهن خود از گذشته دور انباشته کرده، محل شک و تردید قرار میدهد؛ عبارت دیگر دکارت «میخواست قبل از ساختن خانه جدید همه مصالح کهنه را از محل احداث ساختمان دور بریزد»<sup>(۲۵)</sup> تا از این رهگذر بتواند به اصلی اصیل و متیقن نایل گردد و افکار خویش را بر آن اصل که قطعیتزین، بدیهیتزین و یقینیتزین اصول است استوار سازد.

دلیل مطلب مزبور آن است که «وی فکر میکرد بعنوان مقدمه‌یی برای طلب یقین

مطلق، شک ورزیدن درباره هر چیزی که قابل شک باشد لازم است.»<sup>(۲۶)</sup> از اینرو «شک کردن به این معنی نیست که باورهای ما کاذبند بلکه ما داوری خود را درباره صدق این باورها به حال تعلیق درمی‌آوریم.»<sup>(۲۷)</sup> بنابراین «دکارت، آنگونه که برخی تأکید کرده‌اند، شکاک نیست بلکه شک‌گرایی را همچون ابزاری بکارمیبرد تا خوانندگان را از طریق پژوهش فلسفی به «کشف» آنچه این شالوده را تشکیل می‌دهد، وا دارد.»<sup>(۲۸)</sup>

### آزمون حقیقت

از دیدگاه دکارت هر کس برای آزمودن افکار و اندیشه‌های خود دست‌کم یکبار باید در همه چیز شک کند تا آراء صحیح را از غلط و عقاید یقینی را از محتمل و بطور کلی سره را از ناسره جدا سازد. پس «برای آزمون حقیقت، هر کس باید در طول زندگی خود، تا آنجا که ممکن است، یکبار در مورد همه چیز شک کند.»<sup>(۲۹)</sup> از همینجا میتوان نتیجه گرفت که «شک کردن دکارت انقلابی است. او در نظر دارد تمامی باورهای خود را بکناری افکند و در همه چیز شک کند.»<sup>(۳۰)</sup> زیرا ما «از دروازه شک وارد خانه اسرار و رموز میشویم.»<sup>(۳۱)</sup>

### تقریر برهان

برای آزمودن افکار و عقاید گذشته خود و تشکیک در اشیاء میتوان برهانی را بشرح ذیل اقامه نمود:

احکامی که در دوران کودکی درباره اشیاء صادر میکردیم گاهی صحیح بوده و زمانی غلط، همین قضاوت‌های غلط در مورد اشیاء، در فکر و ذهن ما رسوخ میکند بطوری که ما را از دستیابی به معرفت یقینی و دانش قطعی باز میدارند و آدمی را از وصول به علم قطعی و دانش یقینی مأیوس میسازند. اگر چنین وضعی ادامه پیدا کند راه نجات از عقاید باطل گذشته و همینطور رهایی از پیشداوریهای دوران کودکی و قضاوت‌های غلط، افکار و عقاید مشکوک و مغشوش را مسدود میکنند.

طریق و روشی که دکارت برای رهایی از شک خود اختیار نمود، هرگز او را در تشکیک و تردید در آراء و عقاید گذشته خویش متوقف نکرد بلکه بر عکس سرانجام او را به ساحل نجات یعنی علم یقینی و دانش قطعی رهنمون شد اما وی



نمیتوانست به چنین هدف والایی دست یابد مگر آنکه دست کم یکبار و صرفاً یکبار تمام آراء و عقاید گذشته خود یا هر چیز دیگری که کمترین شک و تردیدی در آن دیده میشود باطل تلقی نماید تا با روش مزبور اولاً، افکار و عقاید گذشته خود را تهذیب و اصلاح کند و ثانیاً، اساس و بنیانی نوین برای افکار و اندیشه‌های خود بیابد تا معارف و علوم را بر آن استوار سازد.<sup>(۳۲)</sup> دکارت دربارهٔ آزمودن حقیقت و بررسی آراء و عقاید گذشته خود میگوید:

نظر به اینکه همهٔ ما زمانی کودک بوده‌ایم و در حالی که هنوز اختیار کاربرد کامل عقل ما در دستمان نبوده، دربارهٔ اشیائی که حواس ما مییافته‌اند، قضاوتهایی گاه خوب و گاه بد، داشته‌ایم. پس بسیاری از قضاوتهای شتابزده در ما هست که مانع رسیدن ما به شناخت حقیقت میشود و چنان پیشداوری شدیدی در ما ایجاد میکند که گویی هیچ راهی برای نجات یافتن از آن وجود ندارد، مگر اینکه، برای یکبار در زندگی، دربارهٔ هر چیزی که کمترین اثری از بی‌یقینی در آن بتوان یافت، شک کنیم و هر چیز مشکوک را باطل تلقی نماییم تا پس از بررسی دقیق آنها افکار نادرست را کنار زنیم و افکار صحیح را به ذهن خود بازگردانیم.<sup>(۳۳)</sup>

### جواز شک روش شناختی

دکارت برای تبیین شک روش شناختی چهار برهان خطای حواس، فرضیه رؤیا، تقدیر الهی و شیطان مکار را ارائه میدهد که در ذیل برهان خطای حواس و فرضیهٔ رؤیا باجمال بیان میشود:

### برهان اول خطای حواس

کار حواس آن است که محسوسات<sup>۱</sup> را آنچنان که هستند و یا نمایان میشود به آدمی گزارش کنند، اما آنها در ارائه گزارش دچار خطا میشوند و فاعل شناسایی<sup>۲</sup> را فریب<sup>۳</sup> میدهند.<sup>(۳۴)</sup> پس «گاهی [به تجربه] دریافته‌ام همین حواس فریبنده است و مقتضای [حزم و] حکمت این است که اگر یکبار از چیزی فریب خوردم، دیگر

1. sensible things
2. subject
3. deception



چندان به آن اعتماد نکنم.»<sup>(۳۵)</sup>

بنابراین احتیاط و حکم عقلی آن است که اگر یکی از حواس حتی یکبار مرا فریب داد و گمراه نمود هرگز به آن اعتماد نکنم بلکه آن را بعنوان امری بی‌اعتبار و غیر قابل اعتماد کنار گذارم.<sup>(۳۶)</sup> وی در نخستین اصل از اصول موضوعه - که بصورت تقاضا از خوانندگان بیان شده است - درباره بی‌اعتمادی نسبت به حواس می‌گوید:

اولین تقاضای من از خوانندگان این است که ضعف دلایلی را که تاکنون مبنای اعتمادشان به حواس بوده است و [نیز] سستی تمام احکامی را که بر اساس آنها بنا کرده‌اند تشخیص دهند. [همچنین] از آنان می‌خواهم که در این امر، مداوم و مکرر تعمق کنند تا سراسر این ملکه [ذهنی] را کسب نمایند که دیگر اینقدر به حواس اعتماد نکنند. زیرا بنظر من این امر برای درک یقین مربوط به حقایق مابعدالطبیعی [که متکی بر حواس نیست] لازم است.<sup>(۳۷)</sup>

بنابراین از دیدگاه دکارت چون حواس آدمی گزارش غلطی درباره متعلقات حسی<sup>۱</sup> به او میدهند بی‌اعتبارند. البته

دکارت نمی‌گوید که اطلاعات حسی ما همواره و بطور کلی غیر قابل اعتماد هستند؛ او بر این نظر است که اطلاعات ما معرفتی تقریبی از آنچه «در بیرون» از ما وجود دارد در اختیار ما می‌گذارند. اگر اطلاعات حسی کاملاً غلط بودند نوع بشر مدت‌ها پیش منقرض شده بود.<sup>(۳۸)</sup>

### برهان دوم فرضیه رؤیا

من بارها در خواب دیده‌ام که در کنار آتش نشسته‌ام و حال آنکه در بستر خوابیده‌ام نه در کنار آتش<sup>(۳۹)</sup> و من بارها در خواب از این قبیل اوهام فریب خورده و خود را بیدار پنداشته‌ام و هیچ علامت و نشانه‌ی در دست ندارم تا از طریق آن بتوانم میان خواب و بیداری تفاوت قائل شوم و بهمین دلیل میتوان گفت که همه چیز خواب و رؤیاست. بنابراین بر اساس فرضیه رؤیا<sup>۲</sup> میتوان در همه چیز شک کرد. دکارت در باره فرضیه رؤیا می‌گوید:

1. sensual objects
2. hypothesis of dream



بارها شب به خواب دیده ام که در همین مکان خاص لباس پوشیده و در کنار آتش نشسته‌ام، با آنکه در واقع برهنه در بستر آرمیده بودم. هم اکنون برای من بخوبی نمودار است که با چشمهای بیدار دارم به این کاغذ نگاه میکنم، این سری که میجنبانم در خواب نیست، این دست را هشیارانه و با غرض خاص میکشایم و این را هم ادراک میکنم؛ حادثی که در خواب اتفاق می‌افتد هیچکدام اینطور واضح و متمایز بنظر نمی‌آید. من وقتی دقیق می‌اندیشم، بیاد می‌آورم که در خواب، فراوان با این قبیل اوهام فریب خورده‌ام و چون در این اندیشه دقیق درنگ میکنم، با وضوح تمام میبینم که هیچ علامت قطعی در دست نیست که بتوان آشکارا میان خواب و بیداری فرق نهاد. اینجاست که سخت سرگردان میشوم و این سرگشتگی بحدی است که تقریباً میتوانم قانع شوم که هم اکنون دارم خواب میبینم.<sup>(۴۰)</sup>

### ضرورت شک روش‌شناختی

از دیدگاه دکارت برای خلاصی از قضاوتهای غلط و پیشداوریهای دوران کودکی و آزمودن افکار و عقاید خویش و رسیدن به معرفت یقینی و دانش قطعی لازم بلکه ضروری است که آدمی حتی یکبار هم که شده در افکار و عقاید گذشته خویش و همینطور در اشیاء و امور خارجی به امید رسیدن به حقیقت و تحصیل معرفت حقیقی و رهایی از خاک سست عقاید گذشته و ایستادن بر زمین سخت و محکم یقین در همه چیز شک و تردید نماید. از اینرو خود «دکارت ... مایل است ... بر تمامی باورهای خود مهر باطل زند»<sup>(۴۱)</sup> تا از طریق شک و تردید در همه چیز و باطل تلقی نمودن آنها، به اصل اصیل، قطعی، یقینی و بدیهی نایل گردد و چون وی قصد ندارد که در شک خود بماند، «شک باوران سرسخت خواهند گفت که دکارت جزو آنها نبوده و صرفاً شکاکی تقلبی بوده است که علاقه فراوان داشت هرچه زودتر تردیدهای خود را کنار بگذارد.»<sup>(۴۲)</sup> بهر حال از دیدگاه دکارت شک روش‌شناختی برای تحصیل معرفت بدیهی، دانش قطعی و علم یقینی ضروری، لازم و واجب است.

۱۰۷

### عمومیت شک روش‌شناختی

دکارت در مواضع مختلف آثار خود بر عمومیت و فراگیری شک روشی خود تأکید می‌ورزد و در آثار وی قطعات زیادی وجود دارد که بر عمومیت و فراگیربودن



شک روش‌شناختی وی دلالت میکند.<sup>(۴۳)</sup> البته - همانطور که گذشت - شک روشی شامل کارهای روزمره زندگی و اعمالی که بر دوام حیات و ادامه زندگی لازم است نمیشود بلکه صرفاً شامل نظریات میگردد. برخی از شواهدی که بر عمومیت شک دکارتی دلالت میکند به شرح ذیل است:

۱. دکارت در رساله گفتار در روش تمام عقاید، علوم، آراء و رسوم و سنی که از دوران کودکی و در مدرسه لافلش به ذهن او راه یافته و لانه کرده بود را همانند توهمات که در خواب برای آدمی حاصل میگردد مشکوک، غیرواقعی، بی‌اعتبار و باطل فرض کرده و گفت: «بنا را بر این گذاشتم که فرض کنم هرچه به ذهن من آمده مانند توهمات که در خواب برای مردم دست میدهد بی‌حقیقت است»<sup>(۴۴)</sup> و آنچه مسلم است آن است که فرض بطلان همه چیز - اعم از ذهنی و عینی - بر عمومیت شک روش‌شناختی دلالت میکند. زیرا خیالی و موهوم دانستن همه عقاید، آراء و اندیشه‌ها و حتی همه اشیاء و امور عینی و ذهنی چیزی جز تردید و تشکیک در همه چیز نیست و تردید در همه چیز همان عمومیت شک روش‌شناختی است. بنابراین شک روش‌شناختی دکارت عام و فراگیر میباشد.

۲. دکارت در اصل اول از بخش اول کتاب *اصول فلسفه* - همانطور که بیان شد - تشکیک و تردید در همه چیز را برای آزمودن افکار و سنجش عقاید و تشخیص آراء سره از ناسره خویش لازم بلکه ضروری و واجب تلقی نموده است. زیرا ذهن آدمی از دوران کودکی تا بزرگسالی مملو از علوم یقینی و غیریقینی، آراء درست و غلط، افکار خوب و بد و همینطور انواع قضاوت‌های عجولانه و شتابزده درباره اشیاء و امور عینی و ذهنی میشود و بهمین دلیل در آدمی حس پشداوری درباره اشیاء و امور بیدار میشود و بر اثر تکرار قوی و قویتر میگردد، بطوری که گاهی رهایی از آن برای آدمی مستحیل میشود.

دکارت بر آن است که برای رهایی از اسارت افکار و عقاید دوران کودکی و نوجوانی و زمان تحصیل در کالج لافلش باید یکبار هم که شده در طول حیات در همه چیز اعم از اشیاء و امور ذهنی و عینی تشکیک کرد و آنها را باطل تلقی نمود تا افکار درست از غلط بازشناخته شود و بتوان به یقین و اصل متیقن دست یافت.<sup>(۴۵)</sup> آنچه مسلم است آن است که تشکیک ضروری در همه چیز بر عمومیت شک روش دکارت دلالت میکند. بنابراین روش شک دکارت فراگیر است و شامل تمام اشیاء و امور عالم اعم از ذهنی و

۱۰۸



عینی - جز امور عادی، عملی و معمولی زندگی روزمره - میگردد.

۳. دکارت در تأمل اول از تأملات ششگانه رساله *تأملات در فلسفه اولی* (۴۶) در بیان ادله و براهین شک روش‌شناختی تمام اشیاء و امور اعم از ذهنی و عینی را مشکوک و باطل تلقی نمود تا ببیند آیا پس از ابطال همه اشیاء و امور و بررسی همه آنها امری یقینی و قطعی و بدیهی باقی میماند تا بتواند تمام افکار، عقاید و اندیشه‌های خود را بر آن استوار بسازد؟! از اینرو تلقی و فرض مشکوک و باطل بودن همه چیز اعم از ذهنی و خارجی بر شمول، عمومیت و فراگیربودن شک روش‌شناختی دکارت دلالت میکند، زیرا وی نخست همه چیز را مشکوک و باطل فرض کرده و میگوید: «هر آنچه را که شک کردن در آن ممکن باشد، باید باطل تلقی کنیم» (۴۷) و آنگاه به بررسی و آزمودن افکار و عقاید گذشته خویش میپردازد تا یک اصل یقینی و قطعی برای تأسیس فلسفه جدید کشف نماید.

### تبیین تعابیر شکاکیت دکارت

برای شکاکیت دکارت اسامی و تعابیر زیادی بکار رفته است. علت وجود تعابیر و اسامی مختلف برای شک دکارتی، وجود اسباب و وجوهی است که از سوی برخی از مورخان و محققان نسبت به سایر اسباب و وجوه ممتاز بوده است.

۱. یکی از تعابیری که برای شکاکیت دکارت بکار رفته است «شک دکارتی»<sup>۱</sup> است. وجه تسمیه شکاکیت دکارت به «شک دکارتی» آن است که شکاکیت وی نسبت به شکاکیت سایر شکاکان منحصر بفرد و یگانه است، زیرا دکارت عالماً و عامداً در همه افکار و اندیشه‌های خود و همینطور در همه معقولات و محسوسات شک میکند تا بتواند از طریق آن نخستین اصل یقینی را کشف نماید و علم و فلسفه جدید خویش را بر آن استوار سازد.

۲. یکی دیگر از تعابیری که در مورد شکاکیت دکارت بکار رفته است «شک احتمالی» است. ریشه تاریخی شک احتمالی را باید در آثار افلاطون جستجو کرد، زیرا وی در بررسی یک قضیه نخست تمام صور محتمله آن را بیان میکند و آنگاه

1. cartesian doubt

نتایجی که بر هر یک از صور مفروضه مترتب میگردد را شرح و بسط میدهد و سپس میگوید: اگر چنین تصور کنیم شاید چنان باشد.<sup>(۴۸)</sup>

بر اساس شک روشی دکارت نمیتوان هیچگونه حکم جزمی و قطعی صادر کرد، بلکه باید قضیه مشکوک و محتمل را با عناوین و عباراتی مانند «احتمالاً چنین است» و «شاید چنین باشد» باطل تلقی نمود. پس شک روشی دکارت را میتوان «شک احتمالی» نیز نامید با این تفاوت که شکاکانی که شک احتمالی آکادمی را بکار میبستند خود را از رسیدن به یقین ناتوان و مأیوس میدیدند اما دکارت خود را در رسیدن به یقین نه ناتوان میدید و نه مأیوس، زیرا هدف او از شک در همه چیز تحصیل یقین بود نه توقف در شک و یأس از خروج از آن.<sup>(۴۹)</sup>

۳. یکی دیگر از تعابیری که درباره شکاکیت دکارت بکار رفته است «شک عرفانی» است. وجه تسمیه شکاکیت دکارت به «شک عرفانی» آن است که شکاکیت وی علاوه بر وجوهی که بیان شد، بر یک وجه عرفانی یعنی خباث روح نیز استوار میباشد، زیرا روح خبیث همواره آدمی را به خطا سوق میدهد. در آثار دکارت مسائل و وجوه فراوانی وجود دارد که تسمیه شکاکیت دکارت را به شک عرفانی موجه میسازند.

۴. یکی دیگر از تعابیری که درباره شکاکیت دکارت بکار رفته است «شک موقت» است.<sup>(۵۰)</sup> وجه تسمیه شک دکارتی به «شک موقت» آن است که دکارت قصد ندارد که همیشه در حالت شک و تردید خود باقی بماند، بلکه هدف او آن است که موقتاً در افکار و آراء خود و همینطور در همه چیز تشکیک کند و آنها را بیازماید تا به علم و معرفت یقینی نایل گردد. پس شک دکارت

همچنین شکی است موقت نه فقط بدان معنی که مرحله‌ی مقدماتی برای حصول یقینی است، بلکه همچنین بدین معنی که غرض دکارت ضرورتاً تبدیل قضایایی که قبلاً مورد اعتقاد وی بوده است به قضایای جدید نیست.<sup>(۵۱)</sup>

۱۱۰

۵. یکی دیگر از تعابیری که درباره شک دکارتی بکار رفته است «شک ناراست» است. تعبیر مزبور بقصد انتقاد از شک دکارتی وضع شده است. وجه تسمیه شک دکارتی به شک ناراست آن است که شک دکارتی فاقد بنیانی ثابت و استوار است و

1. provisional doubt





بهمین دلیل عملاً نمیتواند ذهن آدمی را متوجه حقیقت نماید.<sup>(۵۲)</sup>

۶. یکی دیگر از تعابیری که درباره شک دکارتی بکار رفته است «شک فلسفی (مابعدالطبیعی یا متافیزیکی)» است. شک مزبور در مقابل شک علمی است. شک علمی شک در باب صحت یک یا چند مسئله از مسائل علمی است اما شک فلسفی تشکیک در باب مسائل خاص نیست بلکه درباره «موجود بما هو موجود»<sup>۱</sup> است. زیرا موضوع فلسفه «موجود بما هو موجود» است و «موجود بما هو موجود» یک مسئله خاص فلسفی نیست بلکه موضوعی عام است؛ یعنی شامل همه موجودات میشود و شک در موضوع مزبور شک فلسفی نامیده میشود.<sup>(۵۳)</sup>

۷. یکی دیگر از تعابیری که میتوان بر شک وی اطلاق نمود «شک فرضی» است. وجه تسمیه شک دکارتی به «شک فرضی» آن است که وی در تقریر براهین توجیه تردید در همه چیز و ادله جواز تشکیک در باب عقاید، افکار و آراء خود تمام اشیاء و امور - اعم از خدا، آسمان، زمین، رنگها، اشکال و ... - را معدوم و باطل فرض میکند. ۸. یکی دیگر از تعابیری که میتوان - با توجه به بیانات دکارت - بر شکاکیت وی اطلاق کرد «شک افراطی»<sup>۲</sup> است. شک افراطی شکی است که صاحب آن عمداً و عالماً در تشکیک خود مبالغه میکند تا نشان دهد که شک او حقیقی نیست بلکه غیرحقیقی است؛ یعنی میخواهد از طریق شک به معرفت یقینی نایل گردد.

۹. یکی دیگر از تعابیری که درباره شک دکارت بکار رفته است «شک مصلحتی» است؛<sup>(۵۴)</sup> یعنی دکارت در تشکیک اشیاء و امور غرضی خارج از خود شک را قصد میکند نه خود شک را. بعبارت دیگر شک برای دکارت مقصود بالذات نیست بلکه مقصود بالعرض است؛ یعنی دکارت در شک خود مصلحتی را لحاظ میکند و آن این است که از طریق آن به نخستین اصل یقینی نایل گردد تا علم و فلسفه جدید را تأسیس نماید.

۱۰. تعبیر دیگری که درباره شکاکیت دکارت بکار میرود «شک دستوری» است. وجه تسمیه شک دکارتی به «شک دستوری» آن است که دکارت قصد دارد آراء، عقاید و افکار خود را تصحیح کند نه افکار دیگران را و بهمین دلیل در برخی از آثار فلسفیش خود را مخاطب قرار میدهد و صرفاً با خود سخن میگوید. بعبارت دیگر

1. being as being
2. Hyperbolic doubt



تحلیل و تبیین شک روش شناختی دکارت

برخی از آثار فلسفی دکارت مانند رساله تأملات در فلسفه اولی حدیث نفس است؛ یعنی در آن تنها و تنها با خود سخن میگوید و فقط خویشتن خویش را مخاطب قرار میدهد و صرفاً خود را ملزم به تشکیک در همه چیز میکند نه دیگران را، زیرا قصد او آن است که افکار و عقاید خود را تهذیب و اصلاح نماید و بهمین دلیل شک را دستور کار خود قرار میدهد و یا به خویشتن خویش دستور تشکیک در همه چیز را میدهد. بنابراین «دکارت برای رسیدن به یقین، شک را دستور کارش قرار میدهد. این روش دکارت به شک دستوری معروف است.»<sup>(۵۵)</sup>

۱۱. یکی دیگر از تعبیری که درباره شکاکیت دکارت بکار میرود «شک روش‌شناختی»<sup>۱</sup> یا «شک روشمند یا روشی»<sup>۲</sup> است.<sup>(۵۶)</sup> شک روشی از روش تحصیل معرفت یقینی اخذ میشود؛ یعنی «روش تفکر فلسفی که انسان را به یقین میرساند.»<sup>(۵۷)</sup> دکارت برای تحصیل معرفت یقینی طریق اسلاف یعنی ارسطو و اصحاب اسکولاستیک را باطل می‌شمارد و خود طریق نوینی را برای تحصیل معرفت یقینی ابداع مینماید و شک را روش و طریقی برای کسب معرفت یقینی قرار میدهد. پس شکاکیت دکارت «شکی است روشی، بدینمعنی که نه بجهت شک کردن، بلکه بعنوان مرحله‌یی مقدماتی برای حصول یقین و نیز برای تمییز حق از باطل، امور یقینی از امور ظنی، امور غیر قابل شک از امور مشکوک بدان عمل میشود.»<sup>(۵۸)</sup> بنابراین شک برای دکارت روش، طریق و معبری برای رسیدن به معرفت یقینی، دانش قطعی و علم بدیهی است<sup>(۵۹)</sup> و بهمین دلیل شکاکیت وی «شک روشی یا روش‌شناختی» نامیده میشود.<sup>(۶۰)</sup>

۱۲. یکی دیگر از تعبیری که درباره شکاکیت دکارت بکار رفته است «شک نظری»<sup>۳</sup> در مقابل «شک عملی»<sup>۴</sup> است. شک نظری شک در حصول معرفت است و شک عملی در امور عملی و رفتارهای عادی زندگی است.<sup>(۶۱)</sup> اطلاق شک نظری بر شکاکیت دکارت به این دلیل است که وی معتقد است که شک و تردید را صرفاً و منحصرأ باید در امور فکری و عقلی و برای کسب معرفت یقینی و دانش قطعی به

1. methodological doubt
2. methodical doubt
3. theoretical doubt
4. practical doubt



کار بست نه در امور عملی و رفتارهای عادی روزمره زندگی.<sup>(۶۲)</sup>

۱۳. یکی دیگر از تعبیری که درباره شکاکیت دکارتی بکار میرود «شک ابزاری» است. وجه تسمیه شک دکارت به «شک ابزاری» آن است که وی قصد دارد علم و فلسفه جدیدی تأسیس نماید و برای تأسیس چنین بنای عظیمی نیازمند به ابزاری است که او را به هدف اصلی یعنی یافتن یک اصل یقینی و قطعی برساند و آن چیزی جز شک نیست، از اینرو میتوان شک دکارتی را «شک ابزاری» نامید.<sup>(۶۳)</sup>

۱۴. یکی دیگر از تعبیری که درباره شکاکیت دکارتی بکار میرود «شک سیستماتیک» است. وجه تسمیه شک دکارتی به «شک سیستماتیک» آن است که دکارت بطور منظم کار خود را با شک در همه چیز آغاز میکند و پس از وصول حقیقت آن را رها میکند. پس

اگر شک میکنیم بدنبال قطعیتی هستیم که بتوانیم بر مبنای آن فلسفه نخستین را پایه گذاری کنیم، بنابراین دکارت بدنبال شک میرود تا براساس قطعیتی جدید فلسفه نخستین را پایه گذاری کند. دکارت برای این منظور از شک سیستماتیک سخن می آورد که آن را بعنوان تعلیق همه متافیزیک بتوان خواند.<sup>(۶۴)</sup>

۱۵. یکی دیگر از تعبیری که درباره شکاکیت دکارتی بکار میرود «شک رادیکال» است. وجه تسمیه شک دکارتی به «شک رادیکال» آن است که

وی در ادامه راه تعمق نخست به شک ادامه میدهد و بنابر گفته خود بدنبال قطعیتی است که جوابگوی این شک باشد یا او را به این نتیجه برساند که هیچ قطعیتی در جهان وجود ندارد. این نوع شک گرایی به شک گرایی رادیکال موسوم است که طبق آن هیچ قطعیتی در جهان وجود ندارد.

پس

۱۱۳

شک گرایی رادیکال بر مبنای این پارادوکس است که هیچ چیز قطعی نیست و اینکه هیچ چیز قطعی نیست قطعی است. اگر تنها قطعیت درباره شک گرایی است در اینصورت علمی وجود نخواهد داشت.<sup>(۶۵)</sup>

۱۶. یکی دیگر از تعبیری که درباره شکاکیت دکارتی بکار میرود «شک تصنی»



تحلیل و تبیین شک روش شناختی دکارت

سال دوم، شماره سوم  
زمستان ۱۳۹۰

است. واضع این تعبیر در انتقاد از شکاکیت دکارت از تعبیر مزبور استفاده میکند:

شک دکارتی نسبت به دیگر شکوک، شکی سست پایه است و با شک بنیادین آشنایی ندارد. این شک بدلیل آنکه بنیادی استوار و پایدار بنحو شناور ندارد بدرستی نمیتواند یقین آور باشد. از اینرو التفات به شکی مناسب است که حقیقی باشد و از طرح شک تصنعی بپرهیزد. این شک نه میتواند چیزی را از ما بگیرد و نه چیزی را به ما بدهد و شاید بدلیل اصیل و جدی نبودن، هراس‌انگیز نیز می‌باشد.<sup>(۶۶)</sup>

۱۷. یکی دیگر از تعبیری که درباره شکاکیت دکارتی بکار میرود «شک امیدبخش» است. شک دکارتی - همانطور که گذشت - معبری برای وصول به معرفت قطعی و پلی برای رسیدن به علم یقینی و دالانی برای گذر از افکار غلط و عقاید نادرست و وسیله‌ی برای نجات از پیشداوریهاست. شک بمعنای مذکور در واقع نقطه عزیمت و شروع از معارف محتمل و حدسی بسوی علوم قطعی و یقینی است، از اینرو شک روش‌شناختی این امید را در دل شکاک می‌پروراند که وصول به حقیقت دور از دسترس نیست بلکه با آزمودن آراء و افکار و عقاید خود میتوان حقیقت را کشف کرد.

۱۸. یکی دیگر از تعبیری که درباره شکاکیت دکارتی بکار میرود «شک غیرحقیقی» است. توضیح آنکه دکارت نه به حواس خود بی‌اعتماد بود و نه به عقل خود و بهمین دلیل مانند غزالی شکاک واقعی نشد بلکه وی برای آزمودن اندوخته‌های علمی خویش ابزار شک را پیشنهاد کرد تا از طریق آن بتواند افکار یقینی را از اندیشه‌های نامتیقن جدا سازد. از اینجهت در همه چیز شک را جاری ساخت تا در جریان بررسی و آزمودن افکار خود به چیزی تردیدناپذیر دست یابد. بنابراین شک دکارت شک حقیقی و واقعی نیست بلکه شک فرضی است، زیرا وی بی‌اعتباری حواس و قوای عقلانی را مفروض تلقی میکند نه مستلّم.

۱۹. یکی دیگر از تعبیری که درباره شکاکیت دکارتی بکار میرود «شک عالمانه» است. وجه تسمیه شک دکارتی به «شک عالمانه» آن است که دکارت میخواست از طریق تشکیک در همه چیز به یقین برسد، زیرا وی پس از ترک تحصیل از مدرسه لافلس علمی که از آنجا تحصیل کرده بود قانع کننده، یقینی و استوار نمیدانست<sup>(۶۷)</sup>، از

اینرو درصدد ایجاد معبری برآمد تا از طریق آن بتواند به معارف یقینی دست یابد.  
۲۰. یکی دیگر از تعابیری که درباره شکاکیت دکارتی بکار میرود «شک فراگیر»<sup>(۶۸)</sup> است. از اینرو دکارت برای رسیدن به هدف اعلای خود در همه چیز اعم از معقول و محسوس و حتی در هستی و وجود خود تشکیک و تردید کرد و همه چیز را باطل قلمداد نمود تا از این طریق به هدف والای خود واصل گردد. بنابراین شک دکارتی بدلیل آنکه شامل همه چیز میشود شک فراگیر نامیده میشود.

۲۱. یکی دیگر از تعابیری که درباره شکاکیت دکارتی بکار میرود «شک موشکافانه»<sup>(۶۹)</sup> است. زیرا وی وقتی تصمیم میگیرد تا به امر یقینی و قطعی دست یابد و کل متافیزیک را بر آن استوار سازد. او نخست همه چیز را بعنوان امر مشکوک باطل تلقی میکند و سپس بصورت دقیق و عمیق و باصطلاح بطور موشکافانه به بررسی هر یک از آراء و عقاید دوران گذشته خود میپردازد تا ببیند آیا از میان اندوخته‌های علمی دوران تحصیل در کالج لافلش چیزی یقینی یافت میشود یا خیر؟

۲۲. یکی دیگر از تعابیری که درباره شکاکیت دکارتی بکار میرود «شک عام» است. «شکی که دکارت آن را توصیه و تجویز و بدان عمل کرده است، شکی است عام. عام بدینمعنی که بنحو عام در همه اموری که قابل شک باشد بکار میرود؛ یعنی قابل اطلاق به هر قضیه‌یی است که بتوان در مورد صدق آن شک کرد.»<sup>(۷۰)</sup>

۲۳. یکی دیگر از تعابیری که درباره شکاکیت دکارتی بکار رفته است «شک گذرگاهی» است. وجه تسمیه شک دکارتی به «شک گذرگاهی» آن است که دکارت قصد دارد که عامدانه و عالمانه وارد قلمرو شک شود و پس از رسیدن به یقین آن را رها سازد؛ بعبارت دیگر وی میخواهد از شک و تردید خود نسبت به همه چیز، آنها را بعنوان معبر و گذرگاهی برای نیل به امر یقینی و قطعی بکار ببندد.

۲۴. یکی دیگر از تعابیری که درباره شکاکیت دکارتی بکار میرود «شک ریشه‌یی» است. «او در پاسخ به یکی از منتقدان کارش، رویکرد خود را بوسیله تمثیلی شرح داد ... این تمثیل روش شک ریشه‌یی دکارت را باز مینماید که غالباً به روش شک دکارتی مشهور است.»<sup>(۷۱)</sup> قصد او کشف یقینیتیرین، قطعیتیرین و بدیهیتیرین اصل است و با بررسی سطحی نمیتوان به اصل مزبور دست یافت، بلکه باید بطور ریشه‌یی و عمقی همه افکار و عقاید گذشته مورد بررسی قرار گیرند.

۲۵. یکی دیگر از تعابیری که درباره شکاکیت دکارتی بکار میرود «شک انقلابی»

است. «شک کردن دکارت انقلابی است. او در نظر دارد تمامی باورهای خود را به کناری افکند و در همه چیز شک کند»<sup>(۷۲)</sup> و شک عالمانه و عامدانه در همه چیز انقلابی عظیم در تفکر فلسفی است، زیرا در شک مزبور هیچ چیزی از تشکیک مبرا نمیماند بلکه همه چیز اعم از معقولات و محسوسات و حتی هستی دکارت نیز در معرض شک و تردید قرار میگیرد و آنچه مسلم و مبرهن است آن است که تشکیک عامدانه و عالمانه در همه چیز چیزی جز شک انقلابی نیست.

۲۶. یکی دیگر از تعبیری که درباره شکاکیت دکارتی بکار میرود «شک همگانی» است. وجه تسمیه شک دکارتی به شک همگانی آن است:

او علاقه داشت که دانش را از همه بینشهای سنتی، اعتقاد به مقامات و همه پیشداوریهایی که میراث گذشته است، آزاد سازد و در پی آن بود که بنای دانش را از پی تا رأس تجدید ساختمان نماید. دکارت برای این منظور برای دانش طرحی نو آفرید و اصل شک همگانی ... را عرضه کرد. او بر این عقیده بود که این شک لازمه و ارسای انتقادی همه معارف است و هدفش جستجوی حقیقت مطلق مسلمی است که دیگر در معرض هیچ شک و تردیدی قرار نگیرد.<sup>(۷۳)</sup>

۲۷. یکی دیگر از تعبیری که درباره شکاکیت دکارتی بکار رفته است «شک انتقادی»<sup>(۷۴)</sup> است. وجه تسمیه مزبور شاید بدلیل انتقاد دکارت از آراء و عقاید گذشته خویش باشد، زیرا وی تمام اندیشهها و آموختههای دوران گذشته خود را به نقد میکشد و مورد بررسی دقیق خود قرار میدهد تا ببیند آیا میتواند به عقیده‌یی یقینی و قطعی دست یابد. بنابراین میتواند شک دکارتی را بدلیل آنکه به نقد و بررسی عقاید و آراء گذشته خویش میپردازد، انتقادی نیز نامید.

### نتیجه گیری

۱۱۶ هرگاه آدمی صحیح و غلط بودن حکمی را یکسان ببیند، شک و تردید وجود او را فرامیگیرد. شک دستوری که دکارت آن را بنیان نهاد، کانت و نوکانتیها با اصالت نقادی‌گری بر تکامل آن افزودند. هدف دکارت از تشکیک و تردید در اشیاء و امور و بی‌اعتمادی به عقاید و آراء گذشته خود این بود که به معرفت یقینی دست یابد. از نظر وی رسیدن به معارف یقینی و علوم قطعی یک راه بیشتر نداشت و آن راه و طریق شک



بود البته از نوع روشی و دستوری؛ بکار بستن شک بنحوی که منجر به شناخت راستین شود. دکارت برای تبیین شک روش شناختی براهینی اقامه نمود از جمله برهان خطای حواس، برهان فرضیه رؤیا، تقدیر الهی و شیطان مکار. برای خلاصی از قضاوت‌های غلط و پیشداوریهای دوران کودکی و آزمون افکار و عقاید خویش و رسیدن به معرفت یقینی لازم است که آدمی حتی یکبار هم که شده در افکار و عقاید گذشته خویش شک و تردید نماید تا بتواند به اصل قطعی و یقینی نایل گردد. شک روش شناختی وی با شکاکیت از نوع سوفسطی و عملگرایی که غزالی مبدع آن بود، کاملاً متفاوت میباشد. برای شکاکیت دکارت تعبیری چون شک دکارتی، احتمالی، عرفانی، موقت، ناراست، فلسفی، فرضی، مصلحتی، دستوری، روش شناختی و عملی بکار رفته است که برخی از آنها از ناحیه منتقدان وی بوده است.

### پی‌نوشتها:

۱. ر.ک: پنجاه فیلسوف بزرگ از تالس تا سارتر، ص ۱۳۶.
2. تأثیر ریاضیات بر فلسفه دکارت/ [www.farsnews.com](http://www.farsnews.com)
۳. ر.ک: مهدوی، یحیی، شکاکان یونان، ص ۱۰.
۴. همان، ص ۱۱.
۵. ادبانی، سیدیونس، مفاهیم فلسفی ۱: تفکری در فلسفه دکارت، ص ۳۷.
۶. کتاب ماه (ادبیات و فلسفه)، ش ۸، ص ۲۳.
7. دکارت و لائیک/ [www.zendagi.com](http://www.zendagi.com)
۸. ر.ک: فروغی، محمد علی، سیر حکمت در اروپا، ج ۱، گفتار در روش، ص ۲۴۰؛  
*The Philosophical Writings of Descartes, vol.1, Discourse on the method of rightly conducting one's reason and seeking the truth in the sciences, part three, p.125.*
۹. سجادی، سید جعفر، فرهنگ معارف اسلامی، ج ۳، ص ۱۶۲۹.
۱۰. همانجا.
۱۱. همانجا.
۱۲. همانجا.
۱۳. ر.ک: عسگری یزدی، علی، شکاکیت «تقدی بر ادله»، ص ۱۲۴.
۱۴. ر.ک: ذهن، فصلنامه تخصصی، ش ۱۱-۱۲، ص ۱۲.
۱۵. ر.ک: همان، ص ۱۴.
۱۶. حسینی کوهساری، اسحاق، تاریخ فلسفه اسلامی، ص ۱۲۳.
۱۷. ر.ک: شکاکیت «تقدی بر ادله»، ص ۱۲۴.
۱۸. ر.ک: همان، ص ۱۰۷.
۱۹. ر.ک: ژیلسون، اتین، نقد تفکر فلسفی غرب، ترجمه احمد احمدی، ص ۱۲۵ و ۱۲۶.
۲۰. ر.ک: فولکیه، پل، فلسفه عمومی یا مابعدالطبیعه، ترجمه یحیی مهدوی، ص ۶۹.
۲۱. نشریه همشهری، ش ۱۶ و ۱۷/۱/۸۳.
۲۲. لاوین، ت.ز، از سقراط تا سارتر، ترجمه پرویز بابایی، ص ۱۳۴.



23. [www.tdi.blogfa.com/](http://www.tdi.blogfa.com/) رنه دکارت
24. [www.p.30lords.com/](http://www.p.30lords.com/) شک دکارتی
25. گاردنر، یوستاین، *دنیای سوفی*، ترجمه کورش صفوی، ص ۲۸۹.
26. کاپلستون، فردریک، *تاریخ فلسفه*، ترجمه غلامرضا اعوانی، ج ۴، ص ۱۱۰.
27. [www.tdi.blogfa.com/](http://www.tdi.blogfa.com/) رنه دکارت
28. [www.mehrnews.com/](http://www.mehrnews.com/) پرسش از امکانپذیری شناخت در تأملات دکارت
29. دکارت، رنه، *فلسفه دکارت، اصول فلسفه*، بخش اول، اصل اول، ترجمه منوچهر صانعی دره‌بیدی، ص ۲۲۷؛ رنه دکارت، *پدر فلسفه مدرن* / [www.saayeh.mihanblong.com/](http://www.saayeh.mihanblong.com/)
30. *از سقراط تا سارتر*، ص ۱۳۴.
31. توماس، هنری، *بزرگان فلسفه*، ترجمه، فریدون، بدره‌ای، ص ۱۷۸.
32. ر.ک: *فلسفه دکارت، اصول فلسفه*، بخش اول، ص ۲۲۶؛ *فلسفه یا پژوهش حقیقت*، ص ۲۰۸ و ۲۰۹.
- «The seeker after truth must, once in the course of his life, doubt everything, as far as is possible».
- (*Ibid.*, *Principles of Philosophy*, part one, principle 1, p.193).
33. *فلسفه دکارت، اصول فلسفه*، بخش اول، ص ۲۲۷.
34. ر.ک: *چندتن از اساتید فلسفه غرب*، *فلسفه یا پژوهش حقیقت*، ترجمه سید جلال الدین مجتبوی، ص ۲۰۹.
35. دکارت، رنه، *تأملات در فلسفه اولی*، تأمل اولی، ترجمه احمد احمدی، ص ۳۰؛
- The Philosophical Writings of Descartes*, vol.2, *Meditations*, pp.12-13.
36. ر.ک: *فلسفه دکارت، اصول فلسفه*، بخش اول، اصل چهارم، ص ۲۲۹؛ همچنین ر.ک: *ضیاء شهابی*، پرویز، *درآمدی پدیدارشناسانه به فلسفه دکارت*، ص ۴۱ و ۴۲؛ *شکاکیت «نقدی بر ادله»*، ص ۱۱۱ و ۱۱۲.
37. دکارت، رنه، *اعتراضات و پاسخها*، ترجمه علی موسائی افضلی، ص ۱۹۵.
38. رایبسون، ریو؛ *کریس کارات، دکارت «قدم اول»*، ص ۴۵.
39. ر.ک: *تاریخ فلسفه غرب*، کتاب سوم ص ۱۳۰؛ *شکاکیت «نقدی بر ادله»*، ص ۱۱۳.
40. *تأملات در فلسفه اولی*، تأمل اول ص ۳۰ و ۳۱؛ سورل، تام، *دکارت*، ترجمه حسین معصومی، ص ۸۳ و ۸۴؛ دکارت، ص ۸۳ و ۸۴؛ *فلسفه یا پژوهش حقیقت*، ص ۲۰۹؛
- The Philosophical Writings of Descartes*, vol.2, *Meditations*, p.13.
41. *از سقراط تا سارتر* ص ۱۳۴.
42. سوتر، فرناندو، *پرسشهای زندگی*، ترجمه عباس مخبر، ص ۷۳.
43. *The Encyclopedia of Philosophy*, vol.2, p.346.
44. ر.ک: *سیر حکمت در اروپا*، ج ۱، ص ۲۴۴.
45. ر.ک: *فلسفه دکارت، اصول فلسفه*، بخش اول، ص ۲۲۷.
46. ر.ک: *تأملات در فلسفه اولی*، تأمل اول، ص ۳۰-۳۴.
47. *فلسفه دکارت، اصول فلسفه*، بخش اول، اصل دوم، ص ۲۲۷.
48. ر.ک: *مشکوٰۃ الدینی*، عبدالمحسن، *تحقیق در حقیقت علم*، ص ۲۸۰ و ۲۸۱.
49. ر.ک: همان، ص ۳۰۱.
50. ر.ک: *مجله معرفت*، ش ۵۴، ص ۵۲؛ *دکارت «قدم اول»*، ص ۵۵.
51. *تاریخ فلسفه*، ج ۴، ص ۱۱۰.
52. ر.ک: *مفاهمه فلسفی ۱: تفکری در فلسفه دکارت*، ص ۶۶.
53. ر.ک: *درآمدی پدیدارشناسانه به فلسفه دکارت*، ص ۲۸ و ۲۹.
54. ر.ک: *سیر حکمت در اروپا*، ج ۱، ص ۱۷۸.
55. [www.saayeh.mihanblong.com/](http://www.saayeh.mihanblong.com/) رنه دکارت، *پدر فلسفه مدرن*
56. ر.ک: *ارغنون* ش ۵ و ۶، ص ۲۳۴، *فرهنگ و دین*، ص ۱۰۶.
57. صلیبیا، جمیل، *فرهنگ فلسفی*، ترجمه منوچهر صانعی دره‌بیدی، ص ۴۱۳.
58. *تاریخ فلسفه*، ج ۴، ص ۱۱۰.



59. *Rutledge Encyclopedia of Philosophy*, vol.3, p.6.

ر.ک: خردنامه صدرا، س ۷۸، ش ۱۸، ص ۶۱.

۶۰. ر.ک: شکاکیت «نقدی بر ادله»، ص ۹۸.

۶۱. ر.ک: ذهن، ش ۱۱ و ۱۲، ص ۲۲۸.

۶۲. ر.ک: فلسفه دکارت، اصول فلسفه، بخش اول، اصل ۳، ص ۲۲۸؛

*The Philosophical Writings of Descartes*, vol.1, Principles of Philosophy, part one, principle 3, p.193.

۶۳. ر.ک: مفاهمه فلسفی ۱: تفکری در فلسفه دکارت، ص ۳۸.

64. [www.philosophers.atspac.com](http://www.philosophers.atspac.com) متافیزیک دکارت

۶۵. همانجا.

۶۶. مفاهمه فلسفی (۱): تفکری در فلسفه دکارت، ص ۳۸.

۶۷. ر.ک: سیر حکمت در اروپا، ج ۱، گفتار در روش، ص ۲۱۶؛

*The Philosophical Writings of Philosophy*, vol.1, Discourse on the method of rightly conducting one's reason and seeking the truth in the sciences, part one, p. 113

۶۸. دکارت «قدم اول»، ص ۵۴.

۶۹. همان، ص ۵۷.

۷۰. تاریخ فلسفه، ج ۴، ص ۱۱۰.

۷۱. واربرتون، نایجل، آثار کلاسیک فلسفه، ترجمه مسعود علیا، ص ۶۸.

۷۲. از سقراط تا سارتر، ص ۱۳۴.

۷۳. ماکوولسکی، آ.، تاریخ منطق، ترجمه فریدون شایان، ص ۳۹۹.

۷۴. آصفی، آصفه، مبانی فلسفه، ص ۳۴۳.

## منابع فارسی:

۱. آصفی، آصفه، مبانی فلسفه، «آشنایی با فلسفه جهان از زمانهای قدیم تا امروز»، تهران، انتشارات آگه، چ ۵، ۱۳۷۰.

۲. ادیبانی، سید یونس، مفاهمه فلسفی ۱: تفکری در فلسفه دکارت، تهران، انتشارات نقش جهان، چ ۱، ۱۳۷۹.

۳. چند تن از اساتید فلسفه غرب، فلسفه یا پژوهش حقیقت، ترجمه سید جلال‌الدین مجتبوی، تهران، انتشارات حکمت، چ ۳، ۱۳۷۰.

۴. حسینی کوهساری، اسحاق، تاریخ فلسفه اسلامی، تهران، انتشارات امیرکبیر، چ ۱، ۱۳۸۲.

۵. دکارت، رنه، تأملات در فلسفه اولی، ترجمه احمد احمدی، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، چ ۵، تابستان ۱۳۸۵.

۶. \_\_\_\_\_، اعتراضات و پاسخها، ترجمه و توضیح علی موسائی افشلی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چ ۲، ۱۳۸۶.

۷. \_\_\_\_\_، فلسفه دکارت، ترجمه منوچهر صانعی دره‌بیدی، تهران، انتشارات بین‌المللی الهدی، چ ۱، ۱۳۷۶.

۸. رایبسون، دیو، کریس گارات، دکارت: قدم اول، ترجمه مهدی شکیبانی، شیراز، چ ۱، ۱۳۷۸.

۹. ژیلسون، اتین، نقد تفکر فلسفی غرب، ترجمه احمد احمدی، تهران، انتشارات حکمت، چ ۳، ۱۴۰۲ ه. ق.

۱۰. سجادی، سید جعفر، فرهنگ و معارف اسلامی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چ ۳، ۱۳۷۳ (مندرج در نرم افزار کتابخانه حکمت اسلامی).

۱۱. سوتر، فرناندو، پرسشهای زندگی، ترجمه عباس مخبر، تهران، انتشارات طرح نو، چ ۱، ۱۳۸۴.

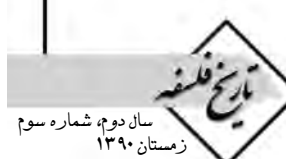
۱۲. سولر، تام، دکارت، ترجمه حسین معصومی همدانی، تهران، انتشارات طرح نو، چ ۱، ۱۳۷۹.

۱۳. صلیبا، جمیل، فرهنگ فلسفی، ترجمه منوچهر صانعی دره‌بیدی، تهران، انتشارات حکمت، تهران، چ ۱، ۱۳۶۶ (مندرج در نرم افزار کتابخانه حکمت اسلامی).

۱۴. ضیاء شهابی، پرویز، درآمدی پدیدارشناسانه به فلسفه دکارت، تهران، انتشارات هرمس، چ ۱، ۱۳۷۷.

۱۵. عسگری زیدی، علی، شکاکیت «نقدی بر ادله»، قم، بوستان کتاب، چ ۱، ۱۳۸۱.

۱۶. فروغی، محمد علی، سیر حکمت در اروپا، تهران، انتشارات صفی‌علیشاه، ۱۳۶۱.



تحلیل و تبیین شک روش شناختی دکارت

سال دوم، شماره سوم  
زمستان ۱۳۹۰

۱۷. فولیکه، پل، فلسفه عمومی یا مابعدالطبیعه، ترجمه یحیی مهدوی، انتشارات دانشگاه تهران، چ ۳، ۱۳۶۶.
۱۸. کاپلستون، فردریک، تاریخ فلسفه، ج ۴ «از دکارت تا لایبنیتس»، ترجمه غلامرضا اعوانی، تهران، انتشارات سروش و شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چ ۱، ۱۳۸۰.
۱۹. گاردنر، یوستاین، دنیای سوفی، ترجمه کورش صفوی، تهران، دفتر پژوهشهای فرهنگی، چ ۴، ۱۳۷۹.
۲۰. لاوین، ت.ز.، از سقراط تا سارتر، ترجمه پرویز بابایی، تهران، مؤسسه انتشارات نگاه، چ ۲، ۱۳۸۴.
۲۱. ماکوولسکی، آ.، تاریخ منطق، ترجمه فریدون شایان، تهران، انتشارات پیشرو، چ ۲، ۱۳۶۶.
۲۲. مشکوةالدینی، عبدالمحسن، تحقیق در حقیقت علم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چ ۲، ۱۳۶۴.
۲۳. مهدوی، یحیی، شکاکان یونان، تهران، انتشارات خوارزمی، چ ۱، ۱۳۷۶.
۲۴. واربرتون، نایجل، آثار کلاسیک فلسفه، ترجمه مسعود علیا، تهران، انتشارات ققنوس، چ ۱، ۱۳۸۲.
۲۵. توماس، هنری، بزرگان فلسفه، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران، انتشارات کیهان با همکاری انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۲.
۲۶. فصلنامه فلسفی، ادبی، فرهنگی، /رغنون، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۷. فصلنامه تحلیلی، علمی و پژوهشی، خردنامه صدرا، تهران، انتشارات بنیاد حکمت اسلامی صدرا.
۲۸. فصلنامه تخصصی معرفت‌شناسی و حوزه‌های مرتبط، ذهن، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۲۹. معرفت، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، قم.
۳۰. نشریه همشهری، مؤسسه همشهری (مندرج در نرم افزار نمایه).
۳۱. نشریه کتاب ماه (ادبیات و فلسفه)، خانه کتاب ایران (مندرج در نرم افزار نمایه).

32. www.zendagi.com  
 33. www.p.30lords.com  
 34. www.tdi.blogfa.com  
 35. www.mehrnews.com  
 36. www.saayeh.mihanblong.com  
 37. www.philosophers.atspac

### منابع انگلیسی:

1. *The Philosophical Writings of Descartes*, Cambridge University Press, first published, 1985.
2. *The Encyclopedia of Philosophy*, Paul Edwards, Macmillan Publishing Co. & The Free Press New York, Collier Macmillan Publishers London, reprint edition, 1972.
3. *Rutledge Encyclopedia of Philosophy*, Edward Craig, Rutledge, London and New York, 1998.

پرتال جامع علوم انسانی

